

لغات و اصطلاحات منتخب



آموزش زبان بامبودات آی آر

www.bamboo.ir

The pursuit of happiness

در جستجوی خوشبختی

۱	make a list	لیست درست کردن
۲	for a living	برای گذراندن زندگی
۳	be in a rush	عجله کردن
۴	Daycare	خدمات مهد کودک
۵	file an extension	تمدید کردن
۶	interest	سود
۷	penalty	پنالتی
۸	face the truth	با حقیقت روبرو شدن
۹	out of control	خارج از کنترل
۱۰	deficits	کسری
۱۱	stockbroker	دلال سهام
۱۲	payroll	صورت پرداخت
۱۳	Feed the meter	کیلومترشو پر کن
۱۴	a brokerage firm	شرکت بورس
۱۵	rent is due next week	هفته دیگه وقت پرداخت اجاره است
۱۶	Can I ask you a favor?	می تونم ازتون یه خواهش بکنم؟
۱۷	Small time	بی اهمیت، نا چیز
۱۸	motto	شعار

۱۹	Drop ... off	چیزی رو به دست کسی رساندن
۲۰	Landlord	صاحبخونه
۲۱	Beat the rug	قالیچه رو تکه کردن
۲۲	share a ride	با هم با ماشین رفتن
۲۳	get in	سوار شو
۲۴	perform medical procedures	انجام دستورهای پزشکی
۲۵	make decisions	تصمیم گرفتن
۲۶	You really messed it up	خیلی به همش ریختی
۲۷	works around a swivel	دور یک محور می چرخه
۲۸	Internship	دوره ی آموزشی
۲۹	Owe	بدهکار بودن
۳۰	Get the hell out of here	برو گمشو
۳۱	take care of somebody	از کسی مراقبت کردن
۳۲	Social Services	موسسه های سرپرستی
۳۳	Diligence	تلاش
۳۴	team-playing	کار گروهی
۳۵	the truth is...	حقیقت اینه که
۳۶	Arrest	دستگیر کردن
۳۷	I hope so	امیدوارم
۳۸	Determined	با اراده

۳۹	Hire	استخدام کردن
۴۰	I'll let you know	بهت خبر میدم
۴۱	I swear	قسم میخورم
۴۲	I'll fill your spot	جاتو پر میکنم، جاتو میدم به کسی دیگه
۴۳	appreciate	قدردانی کردن
۴۴	below average	پایینتر از متوسط
۴۵	excel at	استعداد داشتن در
۴۶	I trust you	بهت اعتماد دارم
۴۷	Drown	غرق شدن
۴۸	Dummy	احمق
۴۹	bill of sale	برگ رسید خرید
۵۰	world markets	بازار جهانی
۵۱	get a quick bite	سریع چیزی خوردن
۵۲	Tax	مالیات
۵۳	a pain in the ass	شرایط سخت
۵۴	good talking to you	خوشحال شدم
۵۵	cross the street	از خیابون رد شدن
۵۶	get hit by a car	تصادف کردن
۵۷	Show up early	زود حاضر شدن
۵۸	qualified person	افراد شایسته

۵۹	Invest	سرمایه گذاری
۶۰	Underrated	کم ارزش بودن
۶۱	Feeling underrated	احساس کم ارزش بودن کردن
۶۲	sign clients	جذب مشتری
۶۳	From the bottom to the top	از پایین به بالا
۶۴	Doorman	نگهبان
۶۵	CEO	رئیس
۶۶	waste time	وقت تلف کردن
۶۷	get a green light from someone	وقتی کسی چراغ سبز نشون میده
۶۸	Jimmy	ور رفتن با چیزی
۶۹	jimmy the key	با کلیدها ور رفتن
۷۰	Appointment	ملاقات
۷۱	Possibly	احتمالا
۷۲	I'd make it	از پیشش برمیام
۷۳	pension money	پول بازنشستگی
۷۴	asset management	مدیریت دارایی
۷۵	Absolutely	کاملا
۷۶	give you a call	بهت زنگ میزنم
۷۷	Bring someone back to the Earth	خوشحالی کسی رو زایل کردن
۷۸	bank account	حساب بانکی

۷۹	broke	ورشکسته
۸۰	jerk me around	منو خر گیر آوردي؟
۸۱	Owe	بدهکار
۸۲	Cavemen	غار نشین
۸۳	Awesome	عالیه
۸۴	Slice in line	در صف جا زدن
۸۵	Retire	بازنشسته
۸۶	Lifestyle	روش زندگی
۸۷	Municipal	شهرداری
۸۸	Back up	برو کنار
۸۹	Preacher	واعظ
۹۰	give up	تسلیم شدن
۹۱	Fantastic	عالی
۹۲	Planet	سیاره
۹۳	Jungle	جنگل
۹۴	dressed as a garbage man	لباس کثیف و نامرتب پوشیدن
۹۵	pulled it off	تاثیر گزار بودن
۹۶	I'm going pro!	حرفه ای شدن